**بنام خداوند بيمانند**

ای بندگان سزاوار آنكه دراين بهار جانفزا از باران نيسان يزدانی تازه و خرم شويد. خورشيد بزرگی پرتو افكنده و ابر بخشش سايه گسترده با بهره كسی كه خود را بی بهره نساخت و دوست را در اين جامه بشناخت. بگو ای مردمان چراغ يزدان روشن است آن را به بادهای نافرمانی خاموش ننمائيد. روز ستايش است بآسايش تن و آلايش جان مپردازيد. اهريمنان در كمينگاهان ايستاده‌اند آگاه باشيد و بروشنی نام خداوند يكتا خود را از تاريكيها آزاد نمائيد. دوست بين باشيد نه خود بين. بگو ای گمراهان پيك راستگو مژده داد كه دوست ميآيد اكنون آمد، چرا افسرده‌ايد. آن پاك پوشيده بی پرده آمد، چرا پژمرده‌ايد. آغاز و انجام، جنبش و آرام آشكار. امروز آغاز در انجام و جنبش در آرام نمودار. اين جنبش از گرمی گفتار پروردگار در آفرينش هويدا شده. هر كه اين گرمی يافت بكوی دوست شتافت و هر كه نيافت بيفسرد افسردنی كه هرگز بر نخاست. امروز مرد دانش كسی است كه آفرينش او را از بينش باز نداشت و گفتار او را از كردار دور ننمود. مرده كسی كه از اين باد جانبخش در اين بامداد دلكش بيدار نشد و بسته مردی كه گشاينده را نشناخت و در زندان آز سرگردان بماند. ای بندگان هر كه از اين چشمه چشيد بزندگی پاينده رسيد و هر كه ننوشيد از مردگان شمرده شد. بگو ای زشتكاران آز شما را از شنيدن آواز بی نياز دور نمود آز را بگذاريد تا راز كردگار بيابيد و او مانند آفتاب جهانتاب روشن و پديدار است. بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی كوشش نمائيد تا بگذرد و بشما آسيب نرساند. اسم بزرگ خداوند كه ببزرگی آمده بشناسيد. اوست داننده و دارنده و نگهبان.